



پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ | ۱۶ صفحه | ۲۰ هزار تومان | سال چهارم | شماره ۷۸۰
www.hammihaonline.ir

نگاه
هم میهن

علیه
هم صدایه
بانتانیاهو



غلامحسین کرباسچی
مدیرمسئول

همه می‌دانند که آغاز مذاکرات میان ایران و ایالات متحده به منزله آغاز عزای تندروها بود. تئوریهای جنجالی و تخریبی زدند، اخبار و شایعات را برجسته کردند، تحلیل‌های درون گروهی عجیبی علیه ساختار سیاسی اظهار داشتند؛ همه این موارد جزئی از رویه متداول آنها بود و لذا نمی‌دانستند که چگونه این عزای خود را طرح کنند؛ به‌ویژه آنکه این بار برخلاف برجام که سردمدار آن رئیس‌جمهور بود، آقای پزشک‌کیان سعی می‌کند که نقشی از خود نشان ندهد و این را به خوبی می‌داند که تندروهای ضد وفاق مترصد فرصت هستند تا ماهیت ضد مردمی خود را پشت حمله به مذاکرات پنهان و در کار دولت کاشکنی کنند. گرچه ما عقیده‌ای به برخورد با رسانه‌ها نداریم، ولی آنان که می‌خواهند دنبال حمایت از سیاست‌های کلان نظام به‌ویژه آنچه که مستقیماً به مقام رهبری مربوط باشند، باید باتخریب‌کنندگان این سیاست مقابله می‌کنند. در حالی که رسانه‌های اصلاح‌طلب صادقانه و براساس تحلیل روشن از مواضع کلان حکومت دفاع کردند و همچنان هم این کار را می‌کنند تندروها حداقل کوشش خود را برای سنگ اندازی پیشه کردند. خوشبختانه مخالفان داخلی این مذاکرات بسیار محدود و ضعیف هستند، همچنان که مخالف خارجی آن که نتانیاهو و چند برانداز باشد نیز در اقلیت محض هستند و حتی دولت آمریکا نیز به آن واقعی ننهاده است. لذا این دو گروه به نحو ناوشسته و شاید هماهنگ درصدد سنگ اندازی در این مذاکرات هستند. یک طرف می‌خواهد پاس دهد تا طرف مقابل نیز آبشار بزنند. در حالی که دولت ایران رسماً و مکرر اعلام کرده است که هیچ نقشی در موشک‌های حوثی‌های یمن ندارد، زیرا یمنی‌ها بحق و از مدت‌ها پیش خواهان برطرف شدن مشکلات ناشی از بیگانگان و منع حضور نیروهای آنان در سرزمین دریایی و باب‌المندب هستند و این را بارها اعلام کرده‌اند. لذا مقابله می‌کنند، ولی نتانیاهو برعکس می‌خواهد بگوید که این کار ایران است. البته بر نتانیاهو حرجی نیست، چون نان دشمنی با ایران عزیز را می‌خورد. در حالی که هم‌صداهای داخلی او به نام دفاع از ایران نباید چنین داعیه‌ای را تأیید کنند. تئیر «اثر شلیک بر مذاکرات» روزنامه هم‌میهن که در اصل درصدد نفی ادعاهای نتانیاهو برای شعله‌ور کردن جنگ بود، به مذاق تندروها خوش نیامده و با گرد و خاک کردن در هیئت نظارت بر مطبوعات می‌خواهند اعتبار و بی‌طرفی هیئت مذکور را مخدوش کرده و دستگاه قضایی را دنبال خود بکشند. و هم‌زمان با آن یک رسانه تویخانه‌ای که هیچ‌گاه شلیک‌توپ‌هایش هیچ دشمنی از این سرزمین را نترسانده و آسیب نرسانده، دوباره به سوی داخل شلیک کرده که ای‌وای این تئیر محور مقاومت را تضعیف کرده است. خوب روشن است هنگامی که هیچ‌کدام از تحلیل‌های تندروها در امور داخلی و خارجی درست از آب در نمی‌آید و کاملاً هم معکوس می‌شود، و قدرت‌پذیرش شکست را هم ندارند و همچنان هم کینه انتخابات ۱۴۰۳ را در دل دارند، چاره‌ای نخواهند داشت. جز اینکه با استفاده از رانت‌های نامشروع سیاسی به نیروها و رسانه‌های داخلی حمله‌ور شوند و بیش از پیش آبروی خود را به حراج بگذارند؛ آبرویی که دیگر در حراج هم قابل خریداری نیست. ❧

تکرار مواضع و کار شکنی‌ها

ارزیابی سخنان رئیس‌جمهوری درباره حجاب
با تحلیل‌هایی از سمیه متقی، سید امیر خرم و علی تقی‌زاده

حذف خاموش مکمل‌های رایگان

گزارش الهه محمدی از محرومیت مضاعف زنان باردار
در مناطق محروم

صعود شیراز در اردیبهشت

گفت‌وگو با پیروز قربانی

که فجر سیاسی را به لیگ برتر بازگرداند



ضرورت توجه به فقه دولت و ملت

پیام مقام معظم رهبری به همایش یکصدمین سالگرد تأسیس حوزه قم

رخداد
بین‌الملل
۸۰۹

درگیری هند
و پاکستان
به کجای رسد؟

سرمقاله

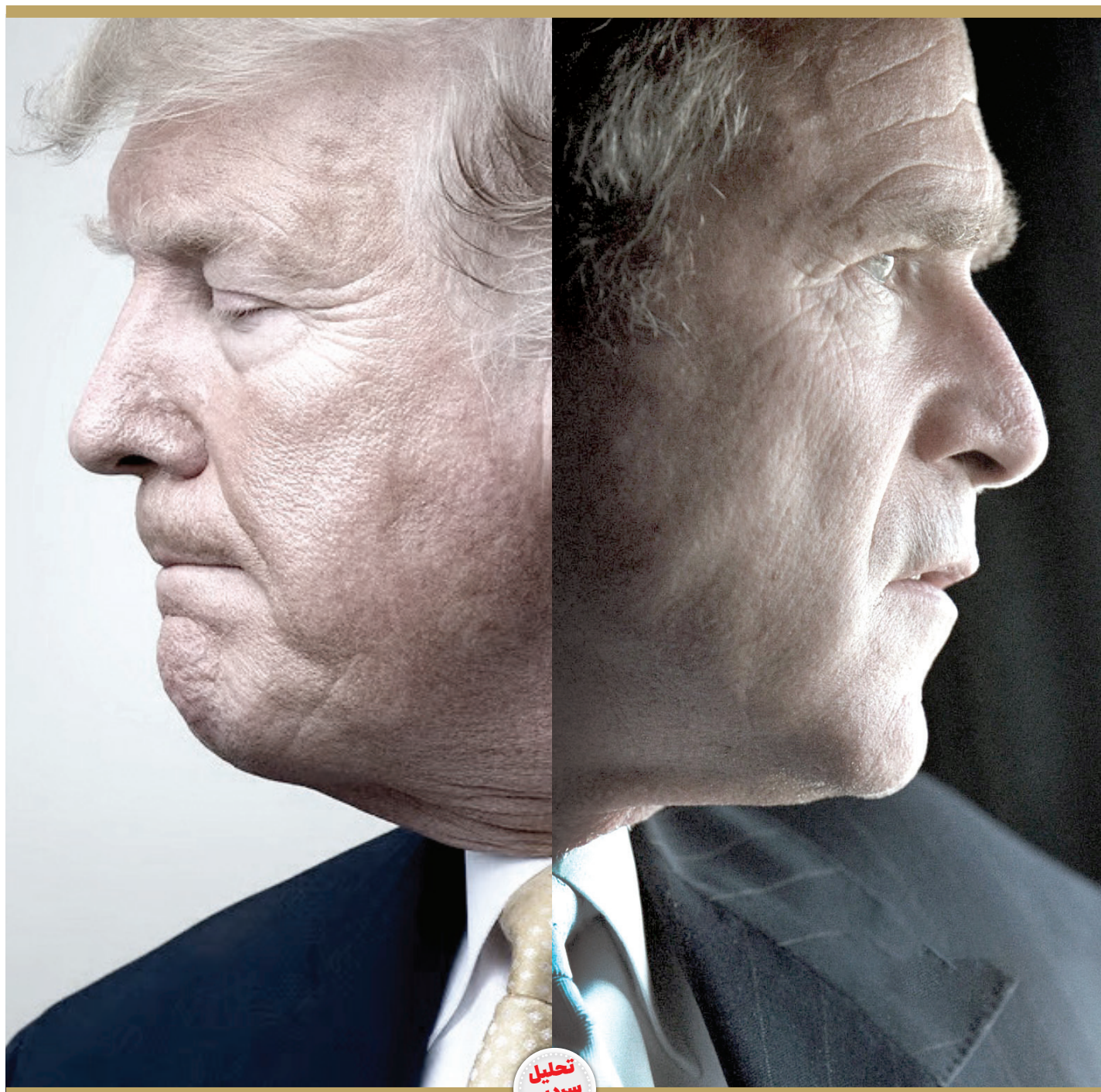
سنگ بزرگ
علامت نردن

اولین و دومین بمب هسته‌ای که در سال ۱۹۴۵ منفجر شد، جهان را دچار حیرت کرد و این پرسش جدی مطرح شد که آینده چه می‌شود؟ آن دو بمب که اولین نسل‌های بمب هسته‌ای بودند، هر کدام توانستند شهری را ویران کنند. پس قدرت ویرانگری بمب‌های بعدی چگونه خواهد بود؟ پرسش مهم‌تر این بود که اگر انحصار بمب از دست ایالات متحده خارج شود، چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ چهار سال بعد و در سال ۱۹۴۹ اتحاد جماهیر شوروی نیز اولین بمب خود را آزمایش کرد و جهان وارد رقابت هسته‌ای شد. بریتانیا در ۱۹۵۲، فرانسه در ۱۹۶۰، چین در ۱۹۶۴، هند در ۱۹۷۴، اسرائیل در همین مقاطع بدون هیچ اعلانی، و در آخر پاکستان در سال ۱۹۹۸ هسته‌ای شدند و بعدها هم کره شمالی وارد کلوپ شد. بمب‌های امروزی بعضاً تا ۸۰ برابر بلکه بیشتر از اولین بمب اتمی قدرت انفجاری دارند. ده‌ها هزار بمب در جهان است که روسیه و آمریکا با فاصله بیشترین تعداد را دارند. نهضت ضد هسته‌ای نیز در جهان ایجاد شد. چون این مسابقه مرگ و دیوانگی محض بود. البته بمب هسته‌ای یک نکته قوت و امید داشت. اینکه این بمب برای نردن و مانع جدی جنگ جهانی جدید است. مثل آن ضرب‌المثل معروف که می‌گفت: «سنگ بزرگ علامت نردن است.» ولی خُب اگر قرار باشد که نزنیم، پس برای چه آن را داریم؟ برای امنیت؟ اساساً یکی از علل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی رقابت تسلیحاتی بود که برای رسیدن به موازنه قوای اتمی و برابر با آمریکا مجبور بود همان اندازه هزینه کند ولی درآمد ملی آمریکا و دیگر کشورهای غربی چند برابر شوروی بود پس روس‌ها سهم خیلی بیشتری از اقتصاد خود را صرف امور نظامی می‌کردند و از اقتصاد و پیشرفت و رفاه عقب افتادند و با فروپاشی مواجه شدند. آنان در ابتدا جلو هم زدند؛ اولین سفر دور کره زمین را اتحاد جماهیر شوروی با خلبانی بی‌وری کاکارین انجام داد. دیری نگذشت که بازی را در همان وقت عادی و نه حتی وقت اضافه، باختند. با این حال بمب هسته‌ای برایشان یک دستاورد داشت و اینکه از سوی کلیت غرب و ناتو تهدید نظامی نشدند، چون بمب داشتند ولی این مشکل‌شان را حل نکرد چون از داخل فرو ریختند. این فروپاشی از لهستان و آلمان آغاز شد و اکنون به جنگ با اوکراین رسیده است. اوکراینی که در قرن‌های اخیر جزئی از خاک روسیه بوده است. جنگ اوکراین مرز تقابل روسیه و غرب بود. گمان می‌شد که اگر در این میدان جنگ شود جنگ سوم و پایانی جهان خواهد بود. اکنون بیش از دو سال است که می‌جنگند ولی نه از بمب اتم خبری است و نه حتی تهدید جدی به انفجار آن. معلوم شد که این بمب آثار راهبردی گذشته را هم ندارد. نه برای شوروی و نه آمریکادر افغانستان کاربرد داشت. پس تن دادن به این همه خطر و هزینه برای چیست؟ هند و پاکستان هم که سال‌ها از جنگ کلاسیک و متعارف پرهیز داشتند پس از جنگ اوکراین متوجه شدند که می‌توانند فارغ از خطر بمب هسته‌ای با هم بجنگند و اکنون وارد این جنگ شده‌اند. ❧

شایعه خبرساز

گزارش
دیپلماسی
۲۰۳

خبر آسوشیتد پرس درباره تغییر نام خلیج فارس از سوی دونالد ترامپ
واکنش گسترده‌ای را در فضای سیاسی و رسانه‌ای ایران برانگیخت
ترامپ آخر وقت دیشب اعلام کرد: هنوز در این باره تصمیم نگرفته‌ام



محور شرارت در اطراف ترامپ؟

یادداشتی از محمد جواد روح: شایعه جعل نام خلیج فارس

یادآور تجربه‌ای است که بوش پسر از سر گذراند